

سَلیمان محمدی می‌شود گفت برای اولین بار است که انتقاد صنفی یا محوریت روزنامه‌های نزدیک به محافظه‌کاران اصولگرا، در قالب نامه‌ای به مقام رئیس‌جمهوری اعلام می‌شود.

دولت محمود احمدی‌نژاد در تیرص ۲ ماده ۱۸ ضوابط اجرایی بودجه سال ۸۹ اعلام کرده است با توجه به جایگاه روزنامه ایران، انتشار آگهی، اطلاعیه یا عناوین مشابه دیگر از سوی دستگاه‌های دولتی در روزنامه‌های دیگر مجاز نیست.

این به معنی محرومیت تمام نشریات غیردولتی از آگهی‌های تقریباً ۷۰ درصد بنگاه‌های اقتصادی کشور است. مدیران نشریات معتقدند پیامد این اقدام، تعطیلی مودبانه نشریات است و تحلیل‌های سیاسی و اقتصادی پیرامون این تصمیم دولت ارائه می‌دهند. تاکنون مراجع مختلفی به این تصمیم اعتراض کرده‌اند، اما قابل توجه‌ترین آنها، نامه‌ای است که ۱۷ مدیرمسوول در این‌باره خطاب به محمود احمدی‌نژاد نوشته‌اند.

اتفاقاً این بار نشریات منتقد مانند بحث یارانه‌های مطبوعات، داعیه‌دار اعتراض نبودند و گويا، امضای نامه مدیران مسوول با نام حسین شریعتمداری مدیرمسوول کیهان آغاز شده است.

در این نامه چندخطی که روی خبرگزاری فارس

نگاه»

عضو شورای سردبیری روزنامه رسالت

تیر خلاص به بسیاری از نشریات

اختصاص آگهی‌های دولت به یک نشریه یا به بیانی قطع آگهی‌های دولتی از سایر نشریات می‌تواند یک وجه مثبت و یک وجه منفی داشته‌باشد.

وجه مثبت و ایده‌آل آن، این است که این مساله کمک می‌کند نشریات به سمت استقلال مالی از دولت رفته و راهکارهایی را برای خصوصی شدن بجویند.

اما وجه منفی آن، این است که با توجه به شرایط فعلی نشریات و وابستگی آنها به درآمد آگهی نه فروش، عملاً این کار تیر خلاصی است به بسیاری از نشریات که امور خود را از طریق آگهی‌های دولتی می‌گذرانند. از طرف دیگر انقطاع مالی نشریات از دولت برای خود دولت هم ممکن است عامل برخی از مشکلات باشد زیرا وابستگی مالی نشریات به آگهی‌های دولتی تا حدی که اکنون هست، به

علی‌اصغر محکی

اکنون وضع مطبوعات سا از نظر اقتصادی خوب نیست،قیمت تک‌فروشی در حد پاسخگویی هزینه‌های مطبوعات نیست. در این وضعیت، اصلی‌ترین فاکتور تأمین هزینه‌های روزنامه، آگهی‌ها و یارانه دولتی است. در بحث یارانه‌های دولتی به طور روشن و شفاف مشخص نیست توزیع چگونه است. به نظر می‌رسد مطبوعاتی که با سیاست‌های مجموعه دولت همراهی دارند، از دولت سوبسید بیشتری می‌گیرند. بنابراین سایر مطبوعات به دنبال جذب آگهی برای جبران هزینه‌هایشان هستند. قسمتی از این آگهی‌ها مربوط

طرح انحصار آگهی‌های دولتی در روزنامه ایران

بازی باخت – باخت

منتشر شد، مدیران مطبوعات بعد از مقدمه‌ای کوتاه آورده‌اند: «لذا امضاکنندگان ذیل (جمعی از مدیران مسوول مطبوعات) از جنابعالی تقاضا دارند با حذف این بند از ابلاغیه بودجه، از وارد آمدن آسیب جدی به مطبوعات امروز و آینده جلوگیری کنید.»
پای نامه هم امضای بیشتر مدیران مسوول غیر از روزنامه‌های همشهری،

-

– آقای اشتها ردی نظر شما درباره اختصاص آگهی‌های دولتی به ایران چیست؟

دولت تصمیم می‌گیرد، من تصمیم‌گیرنده نیستم. من اظهارنظری نمی‌کنم. بهتر است خود مسوولان بررسی کنند و اظهارنظر کنند.
– اما نظر شما به عنوان مدیرمسوول این روزنامه مهم است.
ربطی ندارد، مگر قبل از اینکه تصمیم بگیرند کسی از ما نظر خواست



امیر محیان

نوعی امکان تعامل و درخواست را برای دولت فراهم می‌کند. اما در صورت قطع این منبع مالی عملاً نشریات هیچ گونه تهدیدی به انعکاس اخبار دولت و حسب خاص آنها نداشته و دولت هم نمی‌تواند تقاضایی از آنها داشته باشد.
بنابراین حداقل عامل ایجاد ارتباط و انگیزه دولت با نشریات از بین رفته و دولت آنگاه با مطبوعات تماماً منتقدی مواجه می‌شود که امکان اثر گذاری در آنها در حداقل ممکن خواهد بود. لذا میان دو سناریوی نشریات کاملاً مستقل از دولت و بی‌توجه به درخواست‌های دولت از یک سو و نشریاتی که به نحوی مرتبط با دولت هستند و امید مالی و در عین حال نوعی توجه به درخواست‌های دولت دارند، عاقلانه این است که دولت رابطه خود را با نشریات نگسلد و از این فرصت به نفع ایجاد رابطه مثبت با نشریات استفاده کند.

مدیرمسوول روزنامه همشهری: بسترسازی تک‌صدایی

این تصمیم مطبوعات را رو به تعطیلی می‌برد

مطبوعات دچار خسران زیاد شوند و حتی رو به تعطیلی بروند. بنابراین این ابلاغیه به منزله کنترل و تعطیل شدن مطبوعات از یک روش غیرحقوقی و دوم تقویت روزنامه‌های دولتی و زبان به روزنامه‌های غیردولتی است که در نهایت باعث ایجاد یک‌صدایی در جامعه می‌شود و دیدگاه‌های مختلف زمینه‌ ظهور پیدا نمی‌کنند. علاوه بر این توسعه فرهنگی در جامعه متاثر از توسعه رسانه‌ای است. توسعه رسانه‌ها هم منوط به پایین بودن قیمت تک‌فروشی است. آگهی‌های غیردولتی هم انقدر نیست که بتوانند هزینه‌های

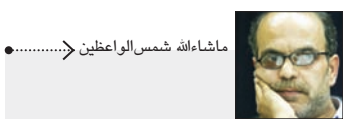


مصطفی کواکبیان

سال پنجم ■ شماره ۱۰۲۱ ■ دوشنبه ۴ مرداد ۱۳۸۹

کیوسک ۱۵

که: «یک‌فوریت طرح نحوه توزیع عادلانه آگهی‌های دولتی بین روزنامه‌ها در مجلس اصولگرا رای نیاورد.»
خانه مطبوعات قزوین هم در بیانیه‌ای که در موج منتشر کرد، این اقدام دولت را «بی‌مهری» و آن را «دخالت در انتخاب مخاطبان و مطبوعات» خواند. تاکنون هیچ مقام رسمی‌ای از لغو این مصوبه خبر نداده، اما تصمیم هنوز اجرایی نشده است.
محمود احمدی‌نژاد در نشست مطبوعاتی ۷ تیر خود، با طرح این سوال که «مگر مطبوعات به آگهی‌های دولتی وابسته‌اند؟» تأکید کرد نباید به مطبوعات آسیب وارد شود. البته منظور او لغو این مصوبه نبود: «بودجه مناسبی را دولت هر‌ساله به مطبوعات و نشریات اختصاص می‌دهد و اگر ببینیم آسیبی وارد شده است حتماً جبران می‌کنیم» با این حال نظر مدیران مطبوعات منتقد و نزدیک به محافظه‌کاران هر دو معتقدند اجرای این تصمیم، هم دولت را در برابر نشریاتی منتقد قرار می‌دهد و هم مطبوعات را به تعطیلی می‌کشاند، یعنی یک بازی باخت باخت.



شاه‌الله شمس‌الاعلین

نتیجه دولت باید از این کار احتراز کند: از طرفی روزنامه‌ها باید اساساً از وابستگی به بودجه‌های دولت به صورت مستقیم و غیرمستقیم خود را آزاد کنند، چون اگر دولتی سر کار بیاید و تبعیض‌هایی قائل شود، این مشکلات برای بخش خصوصی ایجاد می‌شود. این روزنامه‌ها باید تا جایی که می‌توانند به سمت اقتصادی کردن نسخه‌فروشی بروند و آگهی‌های آنها ارزش افزوده رساله باشد نه زیر ساخت آن. همچنین اعمال این تبعیض‌ها در جامعه رسانه‌ای که مانند یک خانواده است، می‌تولد به‌ضرر دولت تمام شود. دولت با وضع مقررات برابر برای رسانه‌ها به خصوص در زمینه آگهی‌ها، در واقع تصمیم‌گیری برای افزایش ضریب همدردی روزنامه‌ها با مواضع دولت حاکم ایجاد می‌کند و به این ترتیب روزنامه‌ها از برخورد‌های رادیکال و انتقادهای پیاپی ریزمی می‌کنند و به یک معنای عملیانه ماخوذ به حیا می‌شوند. روزنامه‌ها خودشان را مقید می‌کنند که در رواج مواضع دولت هم قلم‌فرسایی کنند تا بتوانند مجال آگهی‌های دولتی را به دست بیاورند تا خود را آن محروم نکنند.

جای آنها را خواهند گرفت.
ادامه این شرایط باعث می‌شود رسانه‌های مکتوب مستقل رو به ورطه‌نگستگی و تعطیلی بروند و فقط رسانه‌های دولتی ادامه حیات ببندند. این شرایط تک‌صدایی در رسانه‌های مکتوب باعث می‌شود سایت‌ها و وبلاگ‌ها زمینه بهتری پیدا کنند. نکته این است که از نظر قابل اعتماد بودن، کنترل کردن و نظارت بر این رسانه‌های کوچک‌تر به مراتب برای ناظران سخت‌تر است. بنابراین این تصمیم می‌تواند خطرناک باشد و به راحتی امنیت ملی را تهدید کند و هزینه‌های جدی به دنبال داشته باشد.

مهاج

مساله خود «ایران» است نه آگهی‌هایش

دولتی به راحتی حاضر می‌شویم این مبالغه را از دیگر مطبوعات غیردولتی حذف کنیم.
که این به مفهوم نادیده گرفتن اصل ۴۴ قانون اساسی است.
سوم اینکه غیر از بحث مساله خصوصی‌سازی اساساً بحث آن است که دولت می‌تواند روزنامه‌ای از آن خود داشته باشد یا خیر. این مساله هم مربوط به این دولت نیست. اما در ابتدا می‌گفتند این روزنامه متعلق به این دولت نیست. حالا در این باره سه خلاه انجام شده است که برخلاف شرح وظایف وزارت ارشاد است. اول اینکه در قانون تصریح شده است وزارت ارشاد باید این آگهی‌های دولتی را توزیع کند که اینجا در انحصار یک روزنامه قرار می‌گیرد. دوم اینکه اساساً برای کسب درآمد یک موسسه

-
- مصطفی کواکبیان
- پدرام الوندی

در مجموع با بسط یافتن شک‌گرایی پست‌مدرن درباره حق‌گرایی عینی و بدگمانی درباره این ادعا که سازمان‌های خبری به دنبال آگاهی‌بخشی متوازن باشند، مساله عینیت در نگاه‌های اخلاقی روزنامه‌نگاری دوباره مورد توجه قرار گرفت؛ عینیت در خبر مورد انتقادهای متعددی قرار گرفت. نخست اینکه توقعی بسیاری ایده‌آل از روزنامه‌نگاری دارد و به همین دلیل تبدیل شدن روزنامه‌نگاران را نمی‌تواند به آنها را مجبور به استفاده از ساختارهایی محدود می‌کنند و در نهایت،اینکه چیزهایی مثل روزنامه‌نگاری جامعه‌جو،تفسیری و دیدنی‌های راکنار می‌گذارد. به هر حال درباره عینی‌گرایی هنوز نقدها وجود دارد و هنوز هم پاسخی‌ی روشن برای آنها داده نشده است. نقد عینی‌گرایی باید با ارائه مدلی جایگزین هم همراه باشد؛ بازتعریف عینی‌گرایی با چیزی مانند آن،البته کشتن‌گران اجتماعی منتظر این مباحث نظری نمی‌مانند. آنها فعالانه رسانه‌های شهروندی جایگزین (یا کمکیل) را راه‌انداخته‌اند و حرف‌های خودشان را می‌زنند،از طریق این رسانه‌ها عمل می‌کنند و ساختارهای خود را تثبیت می‌کنند. ورود آنها به عرصه خبر، نسل پنجم اخلاقی رسانه‌ای را ایجاد کرده است؛ جایی که در آن رویکردی ترکیبی به رسانه مورد توجه قرارگرفته‌اند. در این رویکرد ارتباط‌گرانی متعدد وارد عرصه خبر شده‌اند و با استفاده از ابزارهای عملی چندرسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی روزنامه‌نگاری کلاسیک را به چالش کشیده‌اند. آنها با تفنگ ساچمه‌ای مجازی خود این‌بار بنیان‌های اخلاقی روزنامه‌نگاری کلاسیک را هدف گرفته‌اند. و این حوزه نیز ملو از ناهم‌رایی روی مفاهیم پایه‌ای شده است که روزنامه‌نگاری به پایه آنها به وجود آمده است.

آیا دوربین‌ها

سلاح‌های جدید هستند

به تازگی در سایت معتبر گیزمودو که وابسته به شبکه رسانه‌ای گائکر است و معمولاً جدیدترین و آخرین اخبار مربوط به تکنولوژی‌های رسانه‌ای را منتشر می‌کند، مطلبی با عنوان «آیا دوربین‌ها سلاح‌های جدیدی هستند؟» منتشر شد که واکنش‌های زیاد رسانه‌ای را در پی داشت. در این مقاله به وضع قوانین جدید در امریکا، در واکنش به انتشار سیل‌آسای ویدئوهای برخورد پلیس با شهروندان در شبکه‌های اجتماعی پرمخاطب مانند فیس‌بوک و یوتیوب اشاره شده است. تاکنون سه ایالت از ۱۲ ایالت امریکا، فیلمبرداری و عکاسی از پلیس در حال انجام وظیفه را ممنوع اعلام کردند، حتی اگر این فیلمبرداری توسط شخص طرف درگیری با پلیس و در جایی که علامت‌های ممنوعیت عکاسی و فیلمبرداری وجود نداشته باشد، غیرقانونی اعلام شد. در ایالت‌های مریلند، ایلینویز و ماساچوست هر گونه فیلمبرداری از پلیس به شرط آنکه وابسته به شبکه‌های تلویزیونی نباشد، فیلمبرداری مخفیانه محسوب می‌شود و چون فیلم بدون کسب اجازه از پلیس پخش شده است، دارنده دوربین باید بازداشت شود. این مقاله به موارد متعددی با ذکر نام بازداشت‌شونده که به دلیل پخش فیلم برخورد پلیس با آنان در یوتیوب بازداشت شده‌اند، اشاره و عنوان می‌کند. تاکنون کسی به دلیل پخش فیلم پلیس از نجات یک حیوان یا رفتار مهربانه‌اش با کودکان بازداشت نشده است و این نشان می‌دهد قوانین جدید فقط در مورد کسانی صدق می‌کند که برای پلیس مشکل ایجاد کرده یا با او برخوردی داشته باشند. این قوانین نوعی کنترل اجتماعی است که حق انتقاد شهروندان را از پلیس می‌گیرد. یکی از مواردی که در این مقاله اشاره شده، جان گرابر ۴۱ ساله است. جان که برای فیلمبرداری از موتورسواری خودش روی کلاه ایمنی که به سر گذاشته بود دوربین نصب می‌کند، به دلیل داشتن سرعت بالاتر از حد مجاز جریمه می‌شود. هشت ماه پس از این اتفاق، جان فایل‌های خود را روی یوتیوب منتشر می‌کند و مشخص می‌شود پلیس بدون داشتن لباس فرم از ماشین بدون آرم بیرون می‌آید و با اسلحه در دست فریاد می‌کشد و جان را متوقف می‌کند. پس از پخش فیلم، جان شناسایی، دوربین او توقیف و خودش متهم به نقض قانون می‌شود.

استیون سیلورمن وکیل مدافع حقوق جنایی گمان می‌کند ایالت مریلند با وضع این قوانین بیشتر به سوی جنایی قلمداد کردن ضبط سوءرفتارهای پلیس است در حالی که این کار بیشتر از هر چیز تحقیر پلیس به شمار می‌آید تا نقض قانون. در حالی که گرگوری شیبیلی سخنگوی پلیس معتقد است جان گرابر متهم است و به طور آشکار قوانین را رهنمایی و راندگی را نقض کرده است، ادعای حیرتانگیز شیبیلی این است که تا قبل از پخش فیلم، نقض قانون توسط جان گرابر که منجر به دستگیری او شود، آشکار نبود!

بدون استثنا همه مسوولان پلیس در حالی که دستگیری مامورهایی را که دارای رفتار خشونت‌آمیز با شهروندان هستند، تایید می‌کنند، مدافع قانون دستگیری نیز «کسانی هستند که پلیس را ضبط می‌کنند.»

کارلوس میلر از وب‌سایت «عکاسی جنایت نیست» می‌گوید: «در طول کمتر از یک ماه، انتشار چنین فیلم‌هایی باعث شده دو مامور پلیس به دلیل رفتارهای

خشن با شهروندان محکوم شوند.»

او می‌گوید زمانی که پلیس رفتار خشن با شهروندان داشته باشد، دوربین مانند اسلحه‌ای مقابل آنان خواهد بود.

وضع این قوانین، مخالفان و موافقان جدی دارد و واکنش‌های بسیاری را باعث شده است. اکثر روزنامه‌نگاران و برخی از مسوولان پلیس در برخی ایالت‌ها، خواهان آزادی ضبط فیلم از پلیس در حال انجام وظیفه هستند. یکی از سایت‌های مشهور رسانه‌ای به نام poynter، در حالی که از حقوق روزنامه‌نگاری شهروندی دفاع می‌کند و معتقد است وضع این نوع قوانین ایجاد محدودیت‌های جدی برای تمرین روزنامه‌نگاری شهروندی است، نظر دو وکیل سرشناس رسانه ریچارد گوهر و راب هاروی در مورد وضع قوانین جدید را می‌پرسد. هر دو آنها اعتقاد دارند حساسیت پلیس نسبت به این برداشت‌های خبری در مورد خود روزنامه‌نگاران رسمی همیشه وجود داشته است، چه رسد به شهروندانی که به دلیل پیشرفت‌های تکنولوژی می‌توانند فعالیت‌های روزنامه‌نگاری انجام دهند. هر چند هر دو آنها بر این باورند که شاید این نوعی دفاع شهروندی در مقابل رفتار خشونت‌آمیز پلیس است ولی وظیفه اصلی هر شهروند پذیرفتن و رفتار قانونی است و هر دو تأکید دارند که روزنامه‌نگاران هنگام فیلمبرداری، آرم و نشان شبکه‌ای که برای آن کار می‌کنند را داشته باشند و به طور آشکار در جایی مستقر شوند که هیچ گونه ممانعتی در کار پلیس ایجاد نکنند. این اصل در مورد شهروندان نیز باید به کار گرفته شود و به طور آشکار در مقابل پلیس، برای رفع هر گونه سوءظن فیلمبرداری شود، که در صورت تذکر پلیس ادامه ندهند. گوهر و هاروی معتقدند تا قوانین روزنامه‌نگاری شهروندی تدوین نشده است بهترین توصیه به شهروندان این است که در صورت مشاهده موارد خلاف حتماً از طریق رسانه‌های رسمی پیگیری کنند که روزنامه‌نگاران حرفه‌ای به قوانین کاری خود بسیار آگاه هستند. هنوز در اینکه بتوان شهروندان را به عنوان جمع‌کنندگان خبر نامید، تردید جدی وجود دارد.

چسپ

چاوس نماینده‌ای در شبکه مخالفش منصوب می‌کند

هوگو چاوس نماینده‌ای در هیات‌مدیره تنها شبکه مخالفش منصوب می‌کند. رئیس‌جمهور ونزوئلا اعلام کرد به زودی نماینده‌ای را از جانب خود در هیات‌مدیره تنها شبکه تلویزیونی مخالفش منصوب می‌کند. به گزارش ایسنا در حال حاضر تنها یک شبکه تلویزیونی در ونزوئلا انتقادات شدیدی را به چاوس وارد می‌کند که مالک آن از مدت‌ها قبل به اتهام عدم پرداخت مالیات تحت تعقیب پلیس ونزوئلا بوده و به امریکا متواری شده است.
روزهای مخالف دولت این اقدام چاوس را در راستای کاهش انتقادات از دولت ونزوئلا در آستانه انتخابات ماه سپتامبر ارزیابی می‌کنند.

تظاهرات مردم ترکیه علیه سانسور اینترنت

بیش از ده هزار نفر در شهر استانبول ترکیه علیه سانسور اینترنت شدید دست به اعتراض زدند. این معترضان خواستار اصلاح یا لغو قانونی بودند که در نتیجه آن دسترسی به بیش از پنج هزار سایت در ترکیه ممنوع شد. به گزارش ایسنا تظاهرکنندگان ترک برای لغو ممنوعیت وب‌سایت اشتراک‌گذاری ویدئویی یوتیوب، علیه وزیر حمل و نقل این کشور که عامل ممنوعیت این وب‌سایت است، شعار دادند. این اعتراض توسط گروهی به نام برنامه مشترک علیه سانسور اینترنت که متشکل از بیش از ۵۰۰ سازمان غیردولتی است، سازماندهی شده بود. به گفته یکی از سازمان‌دهندگان این اعتراض، با اینکه بیش از این نیز نارضایتی نسبت به سانسور اینترنت وجود داشت اما برای نخستین بار است که مردم به خیابان سرازیر می‌شوند. سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) نیز با تقبیح محدودیت‌های اینترنتی ترکیه دولت این کشور را به رفع محدودیت‌های موجود برای دسترسی به برخی از وب‌سایت‌ها از جمله یوتیوب گوگل فراخوانده است. رئیس‌جمهور ترکیه نیز چندی قبل از صفحه توئیتر خود برای ممنوعه کردن ممنوعیت کسورش روی یوتیوب و برخی از سرویس‌های گوگل اعلام کرد. از سازمان‌های مسوول برای یافتن بیک راه‌حل و تغییرات در قوانین مربوطه درخواست کمک کرد. بر اساس این گزارش از جمعیت ۷۰ میلیون نفری ترکیه حدود ۲۰۰ میلیون نفر کاربر اینترنت هستند.

۵۹ روزنامه‌نگار در شش ماه اول سال ۲۰۱۰ کشته شدند

۵۹ روزنامه‌نگار در نقاط مختلف جهان طی شش ماه نخست سال جاری میلادی کشته شدند. به گزارش PNA، بنیاد روزنامه‌نگاران آمبل که به عنوان یک انجمن غیردولتی فعالیت می‌کند، اعلام کرد، در شش ماه نخست سال جاری میلادی (۲۰۱۰) ۵۹ روزنامه‌نگار در نقاط مختلف جهان کشته شده‌اند. بر اساس گزارش این انجمن که در مهر منتشر شد، آمار مذکور در مقایسه با آمار روزنامه‌نگاران کشته‌شده در مدت مشابه سال گذشته (۵۲ نفر) ۱۰ درصد رشد داشته است. «لژ لمبون» رئیس بنیاد روزنامه‌نگاران آمبل مرگ این تعداد روزنامه‌نگار را در کشورهای مختلف به مسائل و بحران‌های داخلی این کشورها ربط می‌دهد. در میان این کشورهایی که در آنها روزنامه‌نگارانی به قتل رسیده‌اند، میکزیک رتبه نخست را به خود اختصاص داده است.